عنوان:

نیازمندی معصومان **:** به دست تربیت الهی

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-k-20 |
| رده | علمی/علوم عقلی/کلام/تحقیقی\_پژوهشی |
| برچسب | حضرت فاطمه ، عصمت، تربیت، مشورت |
| توضیحات | 1. این فایل، پرسش و پآسخی است در سپهررایانه پیرامون مقامات معنوی حضرت فاطمه . 2. در درج احادیث این فایل از نرم افزار جامع الاحادیث متعلق به مرکز نور استفاده شده است. |

**پرسش:**

یکی از جوانان سوالی از بنده پرسید که پاسخش رو به‌طور دقیق نمی‌دونم. اگر از اساتید یا بزرگواران این گروه کسی لطف کنه راهنمایی کنه ممنون میشم.

سوال اون بنده خدا این بود👇

یه سخنرانی گوش میدادم یه جاییش میگفتن که زمان حکومت رسول الله قبل از جنگ خیبر که اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم خوب نبود و خانواده خود پیامبر هم با فقر زندگی میکردن.

توی این شرایط حضرت زهرا(سلام الله علیها) هم به سختی هم خانه داری و میکردن و پخت و پز و غیره انجام میدادن و همزمان بچه داری هم میکردن، جوری که دست های مبارک شون از شدت کار زخم میشد و رد خون رو دسته آسیاب میفتاد.

تو این شرایط فک کنم اینجور میگفتن که حضرت علی(ع) پیشنهاد کردن که حضرت زهرا(س) از پیامبر کنیز درخواست کنن

بار اول که میرن خدمت پیامبر شرم میکنن چنین درخواستی ازشون بکنن

بار دوم با حضرت علی(ع) میرن و ایشون واسطه میشه و مسئله مطرح میکنن

ولی پیامبر در جواب میگن که چون شرایط مردم هم خوب نیست و اونا هم دارن سختی میکشن نمیتونم این کارو انجام بدم. و همینجا بود که پیامبر تسبیحات حضرت زهرا رو به ایشون یاد دادند.

حالا سوال اینجاست که حضرت زهرا(س) با توجه به جایگاه والایی که دارن و معصوم هم هستن و حجت بقیه ائمه، حضرت علی هم همینطور؛ چطوری میشه که این درخواست رو میکنن، مگر خودشون قائل نیستن به مسئله ای که پیامبر فرمودن؟ مگه خودشون میشه غافل باشن از این نکته؟

و اینکه این دوتا مسئله چجوری قابل جمع باهم؟

**پاسخ:**

سلام علیکم

برداشتی که در این مغالطه از عصمت و کمال و مقامات معنوی حضرت فاطمه سلام الله علیها شده است درست نیست.

مگر درخواست کنیز برای اینکه ایشان کمکی داشته باشند با کمال و عصمت منافات دارد؟!

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان همسر ایشان وظیفه دارند که به شرایط فشار بدنی همسرشان در کار خانه توجه داشته باشند و بی خیال نباشند و هر کاری که لازم است برای رفاه خانواده انجام بدهند. اصرار می ورزند به آوردن کنیز برای کمک به همسرشان. همسرشان نیز با پدر بزرگوارشان بر اثر اصرار شوهر گرامی ملاقات می کنند و در آخر کار این درخواست به محضر رسول الله صلی الله علیه و آله منتقل می شود. این درخواست حسن است. اما ایشان با لحاظ عوامل دیگر، دختر و داماد گرامیان خودشان را به گزاره احسن توجه می دهند و آن قبول فشار کار در شرایط فعلی جامعه و جبران فشار بدنی با تقویت معنویت است.

اصلا #تربیت کردن رسول الله صلی الله علیه و آله مر امیرمؤمنان و صدیقه طاهره سلام الله علیهما را یعنی همین!

يا كميل إن رسول الله ص أدبه الله و هو ع أدبني و أنا أؤدب المؤمنين و أورث الآداب المكرمين‏

کم له من نظیر!

یکی دو مورد عرض می کنم که روشن شود امام قبلی مربی امام بعدی است:

1. عن السدي في قول الله تعالى: يا أيها الذين آمنوا لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم قال: جلس رسول الله ص ذات يوم- فذكر [هم‏] ثم قام و لم يزدهم على التخويف فقال ناس من أصحاب رسول الله ص و هم جلوس منهم علي بن أبي طالب و عثمان بن مظعون: ما خفنا إن لم نحدث عملا، فحرم بعضهم أن يأكل اللحم و الودك، و أن يأكل بنهار، و حرم بعضهم النوم و حرم بعضهم النساء- فأنزل الله تعالى: لا تحرموا طيبات ما أحل الله لكم و قال رسول الله ص: ما بال قوم حرموا النساء- و الطعام و النوم، ألا إني أنام و أقوم، و أفطر و أصوم و أنكح النساء، فمن رغب عني فليس مني.

3. عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن فضال عن الحسن بن الجهم عن منصور عن أبي بصير عن أبي عبد الله ع قال: مر بي أبي و أنا بالطواف و أنا حدث و قد اجتهدت في العبادة فرآني و أنا أتصاب عرقا فقال لي يا جعفر يا بني إن الله إذا أحب عبدا أدخله الجنة و رضي عنه باليسير.

4- علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير عن حفص بن البختري و غيره عن أبي عبد الله ع قال: اجتهدت في العبادة و أنا شاب فقال لي أبي ع يا بني دون ما أراك تصنع فإن الله عز و جل إذا أحب عبدا رضي عنه باليسير.

5- حميد بن زياد عن الخشاب عن ابن بقاح عن معاذ بن ثابت عن عمرو بن جميع عن أبي عبد الله ع قال قال رسول الله ص يا علي إن هذا الدين متين فأوغل فيه برفق و لا تبغض إلى نفسك عبادة ربك فإن المنبت يعني المفرط لا ظهرا أبقى و لا أرضا قطع فاعمل عمل من يرجو أن يموت هرما و احذر حذر من يتخوف أن يموت غدا

بلکه ممکن است خداوند به وسیله غیر امام وی را تربیت کند.

1. عن علي بن الحسين ص قال: خرجت حتى انتهيت إلى هذا الحائط فاتكأت عليه فإذا رجل عليه ثوبان أبيضان ينظر في تجاه وجهي ثم قال يا علي بن الحسين ما لي أراك كئيبا حزينا أ على الدنيا فرزق الله حاضر للبر و الفاجر قلت ما على هذا أحزن و إنه لكما تقول قال فعلى الآخرة فوعد صادق يحكم فيه ملك قاهر أو قال قادر قلت ما على هذا أحزن و إنه لكما تقول فقال مم حزنك قلت مما نتخوف من فتنة ابن الزبير و ما فيه الناس قال فضحك ثم قال يا علي بن الحسين هل رأيت أحدا دعا الله فلم يجبه قلت لا قال فهل رأيت أحدا توكل على الله فلم يكفه قلت لا قال فهل رأيت أحدا سأل الله فلم يعطه قلت لا ثم غاب عني.

2. و لقد قرن الله به ص من لدن أن كان فطيما أعظم ملك من ملائكته يسلك به طريق المكارم و محاسن أخلاق العالم ليله و نهاره و لقد كنت أتبعه اتباع الفصيل أثر أمه يرفع لي في كل يوم من أخلاقه علما و يأمرني بالاقتداء به‏

3. كنا عند أبي الحسن الرضا ع فذكرنا أباه قال كان عقله لا يوازن به العقول و ربما شاور الأسود من سودانه فقيل له تشاور مثل هذا فقال إن شاء الله تبارك و تعالى ربما فتح على لسانه قال فكانوا ربما أشاروا عليه بالشي‏ء فيعمل به من الضيعة و البستان‏